

Analysis of the Struggle Strategies of the Oppressed in the Face of the Arrogant from the Perspective of the Qur'an

Received: 03-06-2021

Accepted: 07-07-2021

Mohsen Faryadres*

Ali Haji-Khani**

Abolfazl Shakori***

Mohammad Sadegh Yusefi Moghadam****

(146-174)

According to the verses of the Holy Quran, the oppressed, as a part of the tyrannical society, have always been oppressed or considered weak by the arrogant and the system of domination and have been kept powerless. Considering that God Almighty has asked the believers in several verses to constantly strive to get out of problems, this question arises: What strategies has the Holy Qur'an outlined for overcoming the oppressed? The possible answer is that God has provided a combination of material and spiritual strategies, given the differences in progressive criteria in religious and non-religious systems. Certainly, a methodical understanding and analysis of these strategies can lead us to a new level of asymmetric struggle. The present article, with an analytical-descriptive method under a "discourse-oriented" view, seeks to enumerate and analyze the struggle strategies of the oppressed in the face of the arrogant. The result of this effort shows that the Holy Qur'an asks the oppressed, as potential heirs of the world, to transform the Taghut society into a monotheistic and guardian society by "all-around resistance" with the help of God Almighty, and to establish their caliph on earth as human beings.

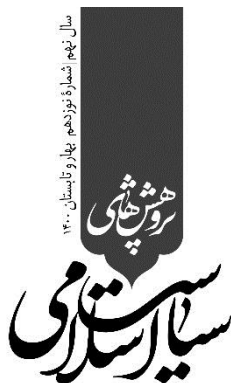
Keywords: Quran, the Oppressed, Strategy, Resistance, the Arrogant, Islamic Society, Taghut Society.

* PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran: .m.faryadres@modares.ac.ir.

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran: (Corresponding Author), ali.hajikhani@modares.ac.ir.

*** Associate Professor, Department of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran: .a.shakoori @ modares.ac.ir

**** Associate Professor, Institute of Quranic Culture and Education, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran: yusefimoqaddam@isca.ac.ir.



تحلیل راهبردهای مبارزاتی مستضعفان در مواجهه با مستکبران از دیدگاه قرآن

تاریخ دریافت: ۱۳/۳/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۶/۴/۱۴۰۰

محسن فریادرس*

علی حاجی‌خانی**

ابوالفضل شکوری***

محمدصادق یوسفی‌مقدم****

(۱۷۴-۱۴۶)

چکیده

بنا بر آیات قرآن کریم، مستضعفان به‌عنوان بخشی از جامعه طاغوت‌زده، همواره از سوی مستکبران و نظام سلطه مورد ظلم و ستم واقع شده یا ضعیف به‌شمار آمده و ناتوان نگاه داشته شده‌اند. با توجه به اینکه خدای متعال در عرض همین امر، در آیات متعدد، از مؤمنان خواسته تا برای برون‌رفت از مشکلات به طور پیوسته جهاد کنند، این پرسش مطرح می‌شود: قرآن کریم چه راهبردهایی را برای برون‌رفت مستضعفان از استضعاف طرح‌ریزی کرده است؟ پاسخ احتمالی آن است که با توجه به تفاوت معیارهای پیشرفت‌زا در نظامات دینی با غیردینی، خداوند ترکیبی از راهبردهای مادی و معنوی را ارائه داده باشد. مطمئناً فهم و تحلیل روشمند این راهبردها می‌تواند ما را به سطح جدیدی از مبارزات نامتقارن رهنمون سازد. جستار حاضر با روش تحلیلی-توصیفی در ذیل نگاهی «گفتمان‌محورانه»،

* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران:

m.faryadres@modares.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران: (نویسنده مسئول)،

ali.hajikhani@modares.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران: a.shakoori@modares.ac.ir

**** دانشیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران:

yousefimoqaddam@jsca.ac.ir

درصد احصا و تحلیل راهبردهای مبارزاتی مستضعفان در مواجهه با مستکبران است. دستاورد این تلاش نشان می‌دهد که قرآن کریم از مستضعفان به‌عنوان صاحبان بالقوهٔ ارث‌بری عالم، خواسته با «مقاومت همه‌جانبه» در سایهٔ استعانت از خدای قادر، جامعهٔ طاغوتی را به جامعهٔ توحیدی و ولایی مبدل سازند و خلیفهٔ الهی خود را در زمین به‌فعلیت برسانند.

واژگان کلیدی: قرآن، مستضعفان، راهبرد، مستکبران، جامعهٔ اسلامی، جامعهٔ طاغوتی.

مقدمه

در قرآن کریم از مستضعفان به‌عنوان یکی از گروهایی یاد شده است که در جوامع طاغوتی زندگی می‌کنند. مستضعف از ریشهٔ «ضعف» است و لغویان آن را به «ناتوانی» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۶۲) از جهت جسمانی یا عقلی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۲۸۱) یا حالی (راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۰۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۳۰) معنا کرده و بر آن‌اند که استضعاف در خصوص کسی به‌کار می‌رود که یا «در او ضعفی وجود دارد» (راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۰۷) یا «دیگری او را ضعیف ببیند و ناتوان بشمارد» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۳۶۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۳۱).

به موازات همین نگاه متفاوتِ طلبی یا مفعولی، قرآن‌پژوهان نیز در خصوص این گروه، برداشت‌های مختلف و بعضاً متعارضی اظهار داشته‌اند: عده‌ای همه یا برخی مستضعفان را کسانی می‌دانند که دربارهٔ اوامر و نواهی الهی دچار جهالت قاصرگونه هستند و لذا رجائاً بخش‌شان از خدای متعال انتظار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۵۱-۵۲؛ مطهری، ۱۳۹۰: ۲۹۶)؛ برخلاف این دیدگاه، بعضی بر اساس دعای مستضعفان با کلمهٔ «ربنا» در آیهٔ «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا» (نساء: ۷۵)، آنها را موحدانی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۵: ۵۱۲) که به قرینهٔ نام‌بری هارون به‌عنوان یک مستضعف در آیهٔ «قَالَ ابْنُ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي» (اعراف: ۱۵۰)، از حدود الهی آگاهی خوبی دارند و بنا بر آیهٔ «وَرِيدٌ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَنْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)، اساساً وارثان بالقوهٔ عالم، خلیفهٔ الله در زمین و امام عالم محسوب می‌شوند. درعین حال،

این گروه همواره از ناحیه مستکبران ناتوان و بی‌ارزش شمرده شده‌اند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۷: ۳۶۹ و ج ۱۰: ۱۲۱) و به دلیل اینکه اداره جامعه در اختیار آنها نیست، عملاً در تعیین خط‌مشی جامعه یا حتی جهان دخالت داده نمی‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۸۱۱؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۶۱). ناگفته نماند که در این میان، طبق آیه «لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء: ۹۸)، برخی مستضعفان حتی به دفع محذور مبتلا به از خود قادر نیستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۵۱) و بنابراین، از راه هجرت ناآگاه‌اند و نمی‌توانند موانع موجود در این مسیر را برطرف سازند.

تدقیق در آیاتی که با محوریت «مستضعفان» است، نشانگر آن است که خدای متعال از خود مستضعفان، حتی دسته آخر نیز خواسته تا با توجه به ظرفیت‌های موجود، در نجات خود بکوشند و از طریق مبارزه با مستکبران، هم هویت خود را در جامعه تثبیت کنند و اهداف الهی را تقویت سازند و گسترش دهند و هم جامعه را به پیشرفت و سعادت همیشه برسانند. بدین‌رو، بی‌اختیاری آنها در تعیین خط‌مشی جوامع طاغوتی و حتی نظامات بین‌الملل، به معنای انفعال آنها نیست؛ منتها با توجه به محدودیت‌های موجود در این زمینه، طبیعتاً مبارزاتشان از نوع نامتقارن است. بررسی ظاهر و سیاق آیات متضمن موضوع «مستضعفان» و شناسایی عناصر مرتبط با این امر و کشف پیوستگی و معناداری روابط میان آنها، بیانگر این امر است که خدای متعال با ترسیم برنامه‌ای چهاروجهی، راهبردهایی کلیدی برای مبارزات مستضعفان در مواجهه با مستکبران ذکر کرده است. دقت نظر در این راهبردها نشانگر آن است که قرآن‌پژوهان به برخی از آنها توجهی ندارند و عملاً هیچ‌گونه اشاره‌ای به آنها نکرده‌اند. افزون بر این، در برخی دیگر نیز که به اصل راهبرد اشاره شده، تحلیل‌ها رها یا ناقص و حتی بعضاً ناصواب منعکس شده است. کشف این راهبردها و تحلیل آنها با نگاهی گفتمان‌محورانه که در آن تک‌تک عناصر دخیل در معنا لحاظ شود، سطحی نوین و هوشمند از مبارزات مستضعفان را در پیش روی ما قرار می‌دهد. این روش گفتمان‌محورانه دارای دو سطح «توصیف» و «تحلیل» است که سطح توصیف آن مشتمل بر کشف «کلید واژگان»،

«سبک‌شناسی (نکات مهم صرفی، نحوی و بلاغی)»، «کنش‌گفتاری»^۱، «موضوع اصلی و فرعی (چالش‌های محوری و حاشیه‌ای)» و «جهان‌بینی (راهبرد فرازمانی و فرامکانی)» است و سطح تحلیل در واقع ارتباط‌دهی نظام‌مند عناصر استخراج‌شده در سطح توصیف است که به اقتضا مستلزم بیان دیدگاه‌های مختلف تفسیری و گزینش منطقی‌ترین دیدگاه با استناد به ادله‌های عقل‌پسند است.

در هر صورت، با توجه به اینکه در زمان حاضر نیز چنین جبهه‌ای وجود دارد و مستکبران با بهره‌مندی از ابزارهای قدرت و استفاده از ظرفیت موجود در نظامات بین‌الملل، عملاً اداره جهان را بر عهده گرفته و بخش بزرگی از جهان را در انوع استضعاف، اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قرار داده‌اند، ضروری است گفتمان مبارزاتی مستضعفان، تبیین و تحلیل شود. بنابراین، مقاله حاضر با تمرکز بر روشی گفتمان‌مدارانه درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است: راهبردهای مبارزاتی مستضعفان در مواجهه با مستکبران از دیدگاه قرآن چیست و چه ابعادی را پوشش می‌دهد؟

پیشینه و نوآوری پژوهش

درباره پیشینه پژوهش آثار مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

الف) استضعاف‌زدایی در پرتو هجرت، سپیده مقیمی، قم، هاجر ۱۳۹۶؛

ب) معیارشناسی استضعاف فکری و فرجام مستضعفان فکری از منظر قرآن و روایات از فرزانه جانی در دانشگاه تبریز، ۱۳۹۷؛

ج) مقاله «رابطه استضعاف و نجات از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری» از سیدیحیی

کاظمی و امیرقلی جعفری در مجله اندیشه نوین دینی ۱۳۹۴، شماره ۴۰، ص ۱۵۹-۱۷۰؛

د) مقاله «ابعاد جامعه‌شناختی استضعاف و آینده مستضعفان در قرآن کریم» از غلامرضا

بهر روز لک در مجله انتظار مهدوی ۱۳۸۵، ش ۱۹، ص ۱۶۷-۱۹۸؛ و...

۱. انواع کنش‌های گفتاری عبارت است از: کنش اظهاری (شامل اخبار، اظهارات و...)، کنش ترغیبی (شامل امر و نهی، طلب، خواهش یا فرمان)، کنش عاطفی (شامل درود، عذرخواهی، سرزنش و...)، کنش تعهدی (شامل سوگند، تهدید و...)، کنش اعلامی (شامل وجوب، محکوم کردن و...) (حسینی معصوم و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۳).

همان‌طور که روشن است، غالب این منابع مربوط به وظایف مسلمانان در قبال مستضعفان و آینده آن‌هاست که نوجویی‌های زیر به تمایز نوشتار حاضر با آن‌ها اشاره دارد:

اولاً، روشی که در این پژوهش دنبال شده، یکی از منهج‌های جامع در زمینه مسائل قرآنی است که قرآن پژوهان کمتر از آن استفاده کرده‌اند؛ ثانیاً، در مطالعات مربوط به «استضعاف»، غالباً به راهبردهای «ارتباط با خداوند» و «هجرت»، آن هم به صورت کلی و راهبرد «صبر» با تفسیری نارسا و سطحی اشاره شده است؛ حال آنکه در پژوهش پیش‌رو، دو مورد نخست تحلیل عمیق شده‌اند و درباره راهبرد «صبر»، تفسیری محرک و ایجابی ارائه شده است؛ ثالثاً، درباره راهبرد «بصیرت» نیز نباید این نکته را مغفول گذاشت که بنا بر تفحص صورت‌گرفته، این راهبرد از سوی هیچ قرآن‌پژوهی برای آیات ۷۵ و ۷۶ و ۱۵۰ سوره اعراف بیان نشده است؛ افزون بر اینکه عبور از رویکرد کلی به آیات و دقت در آیات دیگر برای فهم عمیق راهبردها در کنار توجه به زمان ارائه آن‌ها و موارد و شرایط اجرایشان، از نوجویی‌های دیگر این مقاله است

ادبیات نظری پژوهش

پیش از بررسی راهبردهای مبارزاتی مستضعفان، لازم است به صورت مختصر به تبیین معنای «راهبرد»، «مفهوم مستضعفان و مستکبران» و «نظریات رقیب» پرداخته شود.

مفهوم راهبرد

برای «راهبرد» تعاریف متعددی ارائه شده است که هر یک ضعف‌هایی دارند؛ ولی فصل مشترک بیشتر آنها از «بودن» تا «شدن» یک بایسته، بر اساس الگویی مناسب و پویاست که از این حلقه اتصال به راهبرد یا استراتژی یاد می‌شود. از این جهت، به قواعد کلان و فراگیر تصمیم‌سازی که حاصل هنر و چاره‌سازی‌های زیرکانه برای آینده‌انگاری‌اند و در هر مقطعی از آینده به کار می‌آیند راهبرد می‌گویند (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶، ج ۱: ۶۳۰).

مفهوم مختار مستضعف و مستکبر

در بخش «مقدمه»، آرای لغویان و مفسران و نگاه قرآن به «استضعاف» ذکر شد. از این جهت، اگر بخواهیم آنها را به عنوان منطقی پشتیبان برای معنای مختار از استضعاف لحاظ کنیم،

باید گفت که مستضعف به مردمی اطلاق می‌شود که به دلیل خفقان محیط پیرامونشان، از حیث فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ضعیف گرفته شده‌اند و عملاً هیچ‌گونه نقشی برای آنها در جهت‌گیری‌های جامعه یا نظامات بین‌الملل ترسیم نمی‌شود. در مقابل، مستکبر دولت یا دستگاه‌هایی هستند که چنین شرایطی را به‌وجود آورده‌اند. به عبارت دیگر، به تشکیلاتی که با بهره‌مندی از ابزارهای قدرت‌ساز مادی، به برتری جویی ظاهری پردازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۹۷) و در عرض حاکمیت حق، «بغیر الحق» حرکت کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۳۷۶) و با سلطه‌جویی، استثمار و استعمار، عناصر حق طلب را در تنگناهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بگذارد و عملاً آنان را در جهت‌گیری‌های جامعه یا جهان دخالت ندهد، مستکبر گفته می‌شود.

بیان نظریه‌های رقیب

در زیر مهم‌ترین نظریات رقیب، به اختصار و با توجه به نظام طرح‌ریزی شده برای آن‌ها در کتاب «نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل» از روح‌الله قادری کنگاوری در نشر مخاطب بیان می‌شود:

الف) اندیشه‌های اثبات‌گرا: برخی برآنند که آنچه در ارتباطات انسانی اهمیت دارد، «نوع نگرش به هستی» است که به شناخت آنچه «هست» برمی‌گردد و تنها راه معرفت به آن‌ها، استفاده از ابزارهای حسی و عقل است. این نظریه عمدتاً در سه شاخه زیر تقسیم می‌شود:

- ۱) لیبرالیسم: این نظریه با نگاهی مثبت به ذات انسان‌ها و دولت‌ها، تمرکز جدی روی «صلح جهانی» در مسیر دست‌یابی به توسعه دارد (ر. ک. سلیمی، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۲۵)؛
- ۲) واقع‌گرا: این نظریه با نگاهی منفی به ذات انسان‌ها و دولت‌ها، به روحیه قدرت‌طلبی آن‌ها اشاره داشته و واقعیت زندگی سیاسی را «جنگ و منازعه» بیان کرده و از این رو، هم‌گرایی بین‌المللی را ممتنع قلمداد می‌کند (ر. ک. لاوسن، ۱۳۹۵: ۵۹-۳۳)؛
- ۳) مناظره نئو - نئو: این نظریه با تأکید بر تفاوت جزئی بین نئولیبرالیسم و نئورئالیسم، رویکرد هر دوی آن‌ها را در «حفظ نظامات موجود» از طریق موضوعات همکار محورانه و

فعالیت‌های امنیت نظامی و جنگ تحلیل می‌کند. (ر. ک. دئورتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۹)؛

ب) نظریه فرااثبات‌گرا: این نظریه در تلاش برای رسیدن به دوره‌ای فراپوزیتویستی، به نقد اندیشه پوزیتویستی از طریق مطالعات میان‌رشته‌ای می‌پردازد که عمدتاً به صورت‌های زیر جلوه می‌کند:

۱) نظریه جامعه‌شناسی تاریخی: این نظریه بر آن است که دولت‌ها از طریق فرآیندهای درهم‌تنیده داخلی و بین‌المللی وابسته از طریق جنگ و روش‌هایی از این دست به وجود می‌آیند (ر. ک. قادری‌کنگاور، ۱۳۹۴: ۲۷۶-۲۷۹)؛

۲) نظریه انتقادی: این اندیشه با تمرکز بر عنصر «مشروعیت» در ایجاد تحولات اجتماعی، کنش ارتباطی (حاکمیت گفت‌وگوی منطق) را از کنش استراتژیک (حاکمیت تهدید و تشویق) در روابط بین‌الملل مناسب‌تر ارزیابی می‌کند (قوام، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۷)؛

۳) پساتجددگرایی: این نظریه رسیدن به نظم و امنیت داخلی در یک جامعه را منوط به وجود یک قدرت خطرناک خارجی می‌داند که جامعه را وادار به ایجاد دولتی مبتنی بر ارزش‌های مشترک می‌کند (ر. ک. برچیل و لینکلتر، ۱۳۹۱: ۲۳۵-۲۷۶)؛

۴) فمینیسم: این نظریه با انتقاد گسترده از واقع‌گرایی که برقراری نظام واحد جهانی را به خاطر ذات انسان ناممکن می‌داند، به نقش زنان در ایجاد این یکپارچگی تأکید می‌کند (ر. ک. بیلینس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۲۷۵-۱۳۰۷)؛

۵) نظریه هنجاری: این رویکرد با جمع بین مسائل سنت و مدرنیته، تأکید بر رعایت هنجار و اخلاق در روابط بین‌الملل کرده و بر آن است که بایستی این مقوله را در ارتباطات بین دولت‌ها برقرار ساخت؛

۶) نظریه پسااستعماری: نظریه‌پردازان این رویکرد بر آنند که اساساً آن چیزی که باید در روابط بین‌الملل توجه برانگیز باشد، نقش مردم، فرهنگ و هویت آحاد افراد جهان است و از این رو، بایستی در روابط بین‌الملل، تمرکز خود را از قدرت‌های جهانی به سمت دول ضعیف برد و بر نقش آن‌ها در کنش‌های بین دولت‌ها تأکید کرد (ر. ک. گاندی، ۱۳۹۱: ۴۳-۱۱۳)؛

تحلیل راهبردهای مبارزاتی مستضعفان در مواجهه ... - محسن فریادرس (۱۸۱-۱۵۳) / ۱۵۳

۷) نظریه سبز: این نظریه با تمرکز روی مسئله محیط زیست، به بیان انتقاداتی از نظریات متداول روابط بین الملل به خاطر بی اهمیتی به این موضوع پرداخته و خواستار بازنگری علمی و عملی درباره نگرش به آن از طریق اعمال نفوذ بر دولت هاست (ر. ک. ج ددو، ۱۳۹۰، ۱۲۷-۱۶۴)؛

ج) مدعی راه میانه: این نظریه هم با برقراری ارتباطی میانه بین دو نظریه فوق، به دو صورت زیر در روابط بین الملل ظهور یافته است:

۱) مکتب انگلیسی: این رویکرد با ادغام نظریات روابط بین الملل (اثبات گرا و فرااثبات گرا) در یکدیگر از حیث «اندیشه و تاریخ»، «اخلاق و قدرت» و «ساختار و کارگزار»، سعی در ارائه بیانی همه جانبه و معتدل در ارتباطات بین المللی داشته و در این مسیر بر نقش دولت و جامعه بین الملل در رسیدن به تحولات کلان و با اصالت تأکید می کند (ر. ک. برچیل و لینکلتر، ۱۳۹۱: ۲۴۹-۲۵۹)؛

۲) نظریه برسازانه: این نظریه چنین می گوید که چیزی به نام حقیقت وجود ندارد. اساساً آنچه حقایق را شکل می دهد، جامعه و هویت آن که در جوامع گوناگون، مختلف است و باعث بروز رفتارهای مختلف از دولت ها میشود؛ بنابراین، برای ایجاد هم گرایی بین المللی باید کانون توجه را روی هویت ها بُرد (ر. ک. مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۲۳-۳۶۴).

راهبردهای مبارزاتی مستضعفان

خدای متعال با نام بردن از «مستضعفان» در برخی از آیات، راهبردهایی را برای برون رفت آن ها از استضعاف، مبارزه با نظامات استکباری و رسیدن به وضع مطلوب بیان فرموده که در زیر بررسی و تحلیل می شوند:

۱. بصیرت

واژه پژوهان بصیرت را به معنای «نیروی بینایی و تیزبینی چشم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۲۷)، «نیروی ادراکی قلب» (همان)، «اعتقاد قلبی به دین و حقایق امور» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۱۷)، «عبرت» (همان) و «برهان» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۲۲) دانسته و مفسران نیز معادل های «حجت و دلیل روشن» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۳۴؛ آلوسی،

۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۱۵۶) و «رؤیت قلبی و ادراک باطنی» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۶۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۳: ۲۳۶) را برای آن اظهار داشته‌اند. براین اساس، ادراک و رؤیت اشیا به صورت حقیقی که بر اساس ادله و براهین میسر می‌شود، بصیرت نام دارد (مصلاهی پور و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲) و مؤمنان باید در زندگی خود از آن بهره ببرند تا به طور ناخواسته ابزار دست دیگران قرار نگیرند و از گفتار، رفتار و سکوتشان سوءاستفاده‌ای نشود.

تدقیق در مضمون آیات ۷۵ و ۷۶ و ۱۵۰ سوره اعراف، نشانگر این است که مستضعفان باید در برابر مستکبران از بصیرت و هوشیاری برخوردار باشند تا از جانب آنها دچار آسیب و ضرر نشوند. جدول توصیفی آیات یادشده به این قرار است:

جدول ۱: توصیف آیات مربوط به بصیرت

<p>قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِنِمْ أَمِنْهُمْ اَنْ تَعْلَمُونَ اَنْ صَالِحًا مَّرْسَلٍ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا اِنَّا بِمَا ارْسَلُ بِهِ مُؤْمِنُونَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا اِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَاْفِرُونَ (اعراف: ۷۶-۷۵)</p>					
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی	جهانی‌بینی
ملا - استکبروا (بار) - استضعفوا - اتعلمون - بما ارسل - مؤمنون - کافرون	۱۲تا جمله (۳۳اسمیه و ۹ فعلیه) - تاکید - استفهام انکاری - اذماج - نغایر	اظهاری	ایمان مستضعفان دعوت صالح	نقش ملا در نظام طائفونی شبهه مواجهه مستکبران و مستضعفان با یکدیگر تفاوت علم و ایمان	بصیرت گفتاری
<p>وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ اِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ اَسْفًا قَالَ بَشِمَا خَلَقْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي اَعْجَلْتُمْ اَمْرَ رَبِّكُمْ وَاَلْقَى الْاَوْجَاحَ وَاَخَذَ بِرَأْسِ اَخِيهِ يَجْرُهُ اِلَيْهِ قَالِ اِنَّ اِيْنَ الْقَوْمِ اسْتَضَعُّوْنِي وَاكَاوَا يَخْتَلُوْنِي فَلَا تُخْشِتْ بِي الْاَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ (اعراف: ۱۵۰)</p>					
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی	جهانی‌بینی
غضبان - خلتتموني - اعجلتم - الواح - امر ربكم - الالواح - استضعفوني - كادوا يقتلونني - الاعداء - الظالمين	۱۱ جمله (یک اسمیه - ۱۰ فعلیه) - فعل مقاربه - کنایه - استفهام تقریری - استفهام -تأكيد	اظهاری ترغیبی عاطفی اعلامی	استضعاف حضرت هارون	غضب حضرت موسی (ع) از گوساله‌پرستی قوم دشمنی ظالمان بنی اسرائیل با موحدان	بصیرت رفتاری

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس آیه ۷۵ و ۷۶ سوره اعراف، مستکبران قوم ثمود با هدف استهزای صالح نبی ﷺ و پیروان ایشان (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۰۲) و تردیدافکنی درباره حضرت در بین مؤمنان (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۵۰۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۱۷۲)، به صورت استفهام انکاری از مستضعفان،

علم به رسالت صالح نبی ﷺ را جویا شدند: «أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحاً مُّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ». مؤمنان نیز در پاسخ، در قالب کنشی اظهاری، به طور پیوسته و مؤکد می‌گفتند که ما به آنچه حضرت آورده‌اند مؤمنیم: «إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ».

از این پاسخ به‌روشنی می‌توان بصیرت‌گفتاری مستضعفان مؤمن را فهمید؛ چراکه اولاً در قرآن، تکذیب رسالت انبیا از ناحیه افراد «عمین (بی‌بصیرت)» صادر می‌شود که مستوجب عذابی در قیامت بر اساس آیه «فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» (اعراف: ۶۴) هستند (سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۰۴)؛ ثانیاً «بصیرت به مؤمن تفهیم می‌کند که چگونه حرکت کند، معیارها را چگونه تشخیص بدهد و راه را چگونه طی کند» (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۴)؛ ثالثاً بین علم و ایمان تفاوت وجود دارد: علم ناظر به تسلیم فکر و عقل انسان از طریق منطق و برهان است و با ایمان که تسلیم سراسر وجود انسان و نفی هرگونه جحود و عناد است تفاوت دارد. بنابراین، ممکن است کسی از جهت منطق، تسلیم شود، ولی به دلیل تعصب، عناد و لجاجت مطلبی را نپذیرد (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۶۶-۲۶۷). در این میان، پیروان صالح نیز با اظهار ایمان خود به دعوت حضرت، هرگونه شک و تردید در این حوزه را از خود دور کردند؛ رابعاً این مستضعفان نه تنها دچار تردید نشدند، بلکه حتی اجازه سوءاستفاده را هم بدان‌ها ندادند؛ آنجا که با اظهار ایمان به ره‌آورد صالح ﷺ، به علت لزوم ایمان خود به او اشاره کردند، که از باب تعلیق حکم بر صفت، قابل دریافت است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲۹: ۳۵۸-۳۵۷). به عبارت دیگر، آنان با بهره‌مندی از صنعت بلاغی ادماج، پاسخی بالاتر به پرسش سطحی آنها دادند که از علم به رسالت و ره‌آورد صالح ﷺ گرفته تا ایمان به رسالت حضرت را دربرمی‌گیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۱۷۲)؛ خامساً پاسخ آنان دقیقاً مقابل موضع‌گیری اصلی طواغیت در زمان‌های مختلف است که به‌صورت پیوسته در قالب اقدامی تغایری، بدان اظهار کفر می‌کردند: «قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ». در موقع عذاب نیز اظهار ایمان می‌کردند؛ مانند رفتار فرعون که چنین بود: «قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (یونس: ۹۰).

از سوی دیگر، باید توجه داشت که این بیان هوشیارانه و صریح از سوی افراد ممتاز مؤمن

به حضرت صالح علیه السلام، نه تنها برای دفع شک از خودشان بود، بلکه دو هدف کلان دیگر را نیز دنبال می‌کرد: اول، الگوسازی برای مردم و دوم، تقویت فرهنگ دینی در بین مردم (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۲۳۶-۲۳۷). از این جهت می‌بینیم که خدای متعال از حضرت ابراهیم علیه السلام و مؤمنان به او که صریحاً از بت پرست و بت پرستی اظهار برائت کرده بودند، به عنوان الگو یاد می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (ممتحنه: ۴).

اما طبق آیات دسته دوم، هارون در پاسخ به پرسش حضرت موسی علیه السلام مبنی بر چرایی تبعیت نکردن از او در زمان انحراف قوم (ر. ک. طه: ۹۲-۹۳)، با تعبیر استشفاعی و عاطفی «إِبْنِ أُمَّ» که به منظور یادآوری رابطه قلبی خود با حضرت موسی علیه السلام است، در قالب کنش اظهاری، مؤکداً به استضعاف مستمر خود از سوی قوم بنی اسرائیل اشاره کرد؛ به نحوی که باتوجه به ساختار صرفی فعل «کادوا»، نزدیک بود او را بکشند. بنابراین، گرچه بنا بر آیه «إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» (طه: ۹۰)، هارون علیه السلام ابتدا در برابر فتنه آنها مقاومت کرد و دستورهای حضرت موسی علیه السلام را پی جویی می‌کرد، از محتوای آیه «فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ» و آیه «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (طه: ۹۴) این نکته قابل دریافت است که دشمنان تفکر توحیدی تمایل داشتند از طریق فتنه مذکور، بین مردم تفرقه و دودستگی ایجاد کنند و از این طریق، اصل دین را از بین ببرند (طیب، ۱۳۶۸، ج ۵: ۴۶۵) که به دلیل زمان‌شناسی بالای حضرت هارون علیه السلام و اتخاذ رویکردی منطقی در آن زمان، این نقشه خنثی شد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۲۹۹) و دشمن نتوانست از ایشان سوءاستفاده کند. به علاوه، آنجا که حضرت موسی علیه السلام برای نشان دادن عواقب سوء بت پرستی به بنی اسرائیل، برخورد تند و عتاب‌آمیزی در برابر حضرت هارون علیه السلام از خود بروز دادند (روحی برندق، ۱۳۹۲: ۱۲۰)، باز هارون بصیر علیه السلام توجه آن حضرت را به حضور دشمنانی جلب کردند که حکمت این عتاب را نمی‌دانستند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۶۵) یا دانسته، از بروز تفرقه در بین دو موحد اصلی شادمان بوده‌اند.

از طرف دیگر، بنا بر آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که در گذر تاریخ، جوامع بشری با شرایطی روبه‌رو شده‌اند که حق و باطل در هم آمیخته شده است و مردم دچار فتنه‌های بزرگ

شده‌اند؛ فتنه‌هایی که پیامد آن انحراف مردم از مسیر حق بود. دشمنان اسلام با آمیختن حق و باطل و ایجاد شک و شبهه در دل‌ها در پی آن بوده‌اند که اهداف شوم خود را با دور ساختن جوامع اسلامی از مسیر کمال و به‌تاراج بردن فکر و فرهنگ اصیل اسلامی عملی کنند (برهان، ۱۳۹۰: ۶۸). از این جهت، باید مؤمنان با چشم باز، این دشمنان و صحنه‌ای را که ترسیم می‌کنند، به‌صورت عمیق ببینند. بر این اساس، گرچه بصیرت نیاز همیشگی مؤمنان است، باید به‌صورت پیوسته در مؤمنان وجود داشته باشد تا در «لحظات حساس تاریخی» محاسبات نادرست صورت نگیرد و حتی به فساد خود آنها هم منجر نشود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

تذکر این نکته نیز ضروری است که در منطق قرآن، موارد متوقف بر بصیرت بسیارند، ولی برجسته‌ترین آن در شناخت و پذیرش ولی خدا تعریف می‌شود. دلیل این امر هم روشن است: اساساً تحولات عمیق و باثبات بر محور اولیای حق ظهور می‌یابند که اگر نخواهیم پس از ایمان و عمل صالح، به پیشرفت‌های پایدار و اهداف ترسیمی برسیم، باید حول ولایت اولیای حق عبادت جمعی کنیم، که این امر با معرفت به ایشان و دنباله‌روی از آنان قابل دستیابی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۹۸).

درنهایت، از شرایط اجراسازی این راهبرد هم دو مؤلفه نقش بسزایی دارند: اول، داشتن یک نگاه تدافعی که در موارد گفته‌شده بیشتر محسوس بود و دوم، وجود یک نگاه تهاجمی و پیش‌دستانه. به‌عبارت‌دیگر، باید ضمن شناخت ضعف‌های خود، به دشمن و ضعف‌های او نیز معرفت پیدا کنیم تا رویکردها صرفاً جنبه پاتک نداشته باشند؛ افزون بر اینکه تیزبینی به‌صورتی که هدایت، کشف و طلب شود، از شرایط دیگر اجرای بصیرت محسوب می‌شود (منصوری، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۸).

۲. مقاومت

خدای متعال در آیات ۱۳۷ سوره اعراف و ۴ تا ۶ سوره قصص به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به مقاومت مستضعفان در برابر دستگاه استکباری اشاره کرده، که در جدول توصیف آن آمده است:

جدول ۲: توصیف آیات مربوط به مقاومت

و أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا و تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْخُسْفَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَعَرْنَا مَا كَانَ يُصَنِّعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (اعراف: ۱۳۷)				
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی
اورثنا - تمّت - کائوا يستضعفون - بما صبروا - دعرتنا - ما كان يصنع - ما كانوا يعرشون	۱۰ تا جمله فعلیه - استعاره - الصفات	اظهاری	انعام کلمه الهی در حق مستضعفان	اثرات زمین به مستضعفان نابودی نظام فرعونى و کاخ‌های آنها اعتماد به وعده خدا
إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضْعَفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ بُنْيَانَهُمْ وَ يَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤٦﴾ وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ امْنَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٤٧﴾ وَ نَمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِمَّنْ شَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (قصص: ۴۶-۴۷)				
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی
فِرْعَوْنَ (پار) - هَامَانَ - جُنُودَهُمَا - اسْتَضَعَّفَ (پار) - يُدَبِّحُ - يَسْتَحْيِ - تُرِيدُ - نَمَكِّنْ - الْمُفْسِدِينَ - امْنَةً - الْوَارِثِينَ - نَمَكِّنْ - مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ	۱۵ تا جمله (۲) اسمیه و ۱۳ فعلیه	اظهاری تهدیدی	امامت مستضعفان بر بشر و ارتشبری زمین به قدرت رسیدن مستضعفان پیش روی مستکبران	مصادیق فساد طاغوت ترس طواغیت از به قدرت رسیدن مستضعفان

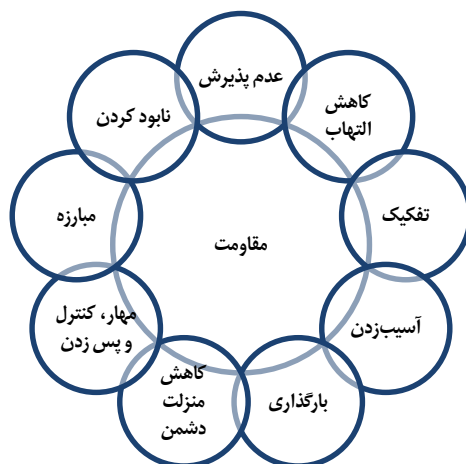
(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس ظاهر آیات هم‌جوار و هم‌سیاق با دو آیه‌ای که در جدول آمده‌اند، فرعون پس از آنکه در برابر معجزه حضرت موسی ﷺ شکست خورد، در مقابل سران و اشراف قوم از شیوه نوین به استضعاف کشاندن مستمر مؤمنان (که به صورت ذبح پسران آنها در جهت نسل‌کشی و زنده نگه داشتن زنانشان برای تغییر نسب جمعیتی یا لذت‌بری و... بود) پرده برداشت. خبر این شیوه فرعونى و استکبارى که قرآن با به‌کارگیری اسلوب‌های استمرار بنیانی همچون جمله اسمیه «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ» و «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»، افعال مضارع «يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ» و ماضی استمراری «كَانُوا يَسْتَضْعَفُونَ» بیان می‌کند، به حضرت موسی ﷺ نیز رسید. لذا بنا بر آیه «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا» (اعراف: ۱۲۸)، وی نیز به مؤمنان دستور داد تا ضمن استعانت جویی از خدای متعال، در برابر این عذاب‌ها صبر کنند. اساساً یکی از روش‌های مبارزاتی مستضعفان در برابر مستکبران، «صبر» است که لغویان آن را «ضد جزع و بریدن» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۱۶) و با معنای «حبس و بازداشتن» ذکر کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۱۸۲). در این صورت، طبیعتاً مقصود از آن دو این است که شخص صبور نه تنها باید خود را از ارتکاب افعال نامناسب بازدارد، بلکه باید در پیگیری افعال

مناسب نیز خسته نشود و بر آنها استقامت بورزد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۷۱۶). بنابراین، در صبر دو مفهوم سلبی (بازداری از تسلیم شدن در برابر دشمن) و ایجابی (استقامت ورزیدن بر دستوره‌های الهی) وجود دارد که با «مقاومت» این‌همانی دارد؛ چراکه دو بُعد یادشده با معنای مشهور ریشه مقاومت (قَوْم) مبنی بر «برخاستن یا به‌پا خاستن» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۳۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۳۴۱) و معنای مشهور ساختار صرفی آن (مفاعله) مبنی بر «مشارکت: به‌پا خاستنِ جمعی»، «هم‌معنایی با باب افعال: پایداری» و «هم‌معنایی با ثلاثی مجرد: به‌پا خاستن» مطابقت دارد.

باتوجه‌به آنچه ذکر شد، صبر همان مقاومت است که به‌صورت پایداری مستمرانه بر مسیر مستقیم در جهت جلوگیری از انحراف به آن توجه شده، که اولاً بنا بر آیه «وَ اضْبِرُوا مَا صَبْرُکَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل: ۱۲۷)، بروز و استمرار همیشگی آن منوط به امداد الهی است؛ ثانیاً در منطق قرآن، شامل مواردی است که در شکل آمده، و از همین جهت، می‌توان آن را جامع و عصاره تمام آموزه‌های الهی دانست که در صورت تحقق، عملاً باقی دستوره‌های اسلامی نیز رعایت شده است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۲۲۷).

شکل ۱: گونه‌های مقاومت

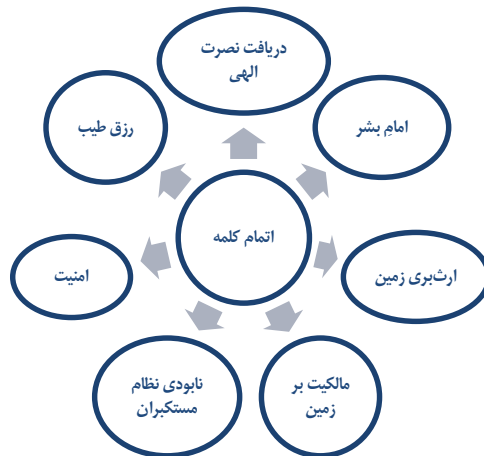


(منبع: افتخاری، ۱۳۹۹: ۳۶۳-۳۴۱)

در حال، مقاومت یک ضرورت بین محسوب می‌شود، ولی باز خدای متعال به منظور

تشویق همیشگی مستضعفان برای آن، وعده «تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ» را (که به معنای بالفعل شدگی تعهدات بالقوه است)، با التفات از غیب «أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ» به خطاب «تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ» می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۲۴ و ۲۲۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۳۰: ۱۳۳). مصادیق این تعهدات با توجه به کنش اظهاری و تعهدی در دو آیه ذکر شده و درنگ در آیه ۲۶ سوره انفال که اشاره به همین اتمام کلمه در حق مستضعفان دارد، در شکل آمده است:

شکل ۲: مصادیق اتمام نعمت



(منبع: یافته‌های پژوهش)

مصادیق گفته شده بیانگر نعمت‌هایی است که بنا بر آیات یاد شده، مستضعفان زمان حضرت موسی علیه السلام از آن بهره‌مند شدند و مطمئناً هم‌کیش‌های آنان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند؛ چراکه از یک سو، خدای متعال این وعده‌ها را با فعل ماضی «أَوْرَثْنَا»، «تَمَّتْ» و «دَمَرْنَا» و مضارع «تُرِيدُ»، «نَجْعَلُهُمْ» و «نُمْكِنُ» بیان کرده و ثانیاً آن مستضعفان نه تنها در برابر فساد مستمر فرعونیان تسلیم نشدند، بلکه بنا بر آیه «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا»، برای نصرت دین خدا و انتشار حداکثری جهان‌بینی توحیدی در جهان، به طور پیوسته در برابر این مستکبران به مقاومت پرداختند. به عبارت دیگر، وعده‌های یاد شده «حق» هستند و به طور قطع محقق خواهند شد؛ ولی برای دریافتشان و حتی تعجیل در آنها، صرفاً باید مقدمات آن فراهم شود. بنا بر آیه «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (روم: ۶۰)، مهم‌ترین و

برجسته‌ترین آنها بعد از استعانت از خدا، همین مقاومت است که در برخی آیات، نظیر آیه ۱۲۷ اعراف، به‌صراحت آمده و در برخی، مثل آیه ۴ تا ۶ سوره قصص، تلویحاً به آن اشاره شده است.

باتوجه به اینکه شئون زندگی بشر مجموعه‌ای از نسبت‌هاست، طبیعتاً در هر مرحله‌ای مشکلات، آلام و حتی عذاب‌های بغرنجی از سوی طواغیت برای مؤمنان رخ می‌دهد که در این میدان، توفیقات غالباً وابسته به حفظ اراده‌هاست. پس، هر طرفی که اراده‌اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد و بالعکس؛ یعنی اگر استقامتی در این میدان وجود داشته باشد، انسان می‌تواند با نسبت یک به ده، «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (انفال: ۶۵)، بر دشمن غلبه پیدا کند (بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۳۰). براین اساس، این مسائل با مقاومت گذرا هستند و مؤمنان نباید حکومت طاغوت در یک برهه را به‌منزله امری همیشگی بدانند و در برابر فشارهای آنها تسلیم و متوقف شوند، بلکه باید ضمن توجه به تجربه‌های گذشته در خصوص گذرا بودن این دوره، برای جلوگیری از وادادگی و انحراف، در برابر آنان به مقاومت بپردازند و زمینه را برای امر الهی فراهم کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۲۴۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ۲۱۶). از طرف دیگر، باتوجه به تکرار اسلوب‌های استمراری در این آیات، طبیعتاً بهره‌مندی از این وعده‌ها صرفاً محدود در بنی اسرائیل نیست. بنابراین هر ملت مستضعف مؤمنی که برای خدا در برابر طواغیت به مقاومت بپردازد و در این راه از خود مقاومت نشان دهد، به این دستاوردها نیز دست خواهد یافت.

درباره زمان و موارد و شرایط اجراسازی مقاومت هم می‌توان به دو مؤلفه کلان اشاره کرد که بقیه موارد را تحت پوشش قرار می‌دهد: اول تلاش برای ایجاد انقلاب در جامعه و سپس مبارزه برای حفظ نظام برآمده از آن. به‌عبارت‌دیگر، مستضعفان باید با نارضایتی همیشگی از وضع موجود، تمایل دائمی به وضعیت مطلوب داشته باشند و در جهت حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، به‌طور پیوسته آمادگی کافی برای هزینه دادن را داشته باشند (مه‌دی‌ان، ۱۳۹۹: ۲۷۸). استمرار این روحیه به تدریج منجر به ایجاد یک انقلاب هویتی کلان می‌شود که اگر اسلامی باشد، حاکمیت الله و دستوره‌های او را در قالب نظام «امت-امامت» به‌ارمغان خواهد آورد، و برای حفظ آن نیز باید همین دو مؤلفه حضور داشته باشند.

به عبارت گویاتر، در کنار حضور امام، محوری‌ترین مسئله برای بقای نظام، رشد فرهنگی و فکری مردم است که ثبات و ازدیاد آن به اخلاص و وفاداری مسئولان نظام بستگی دارد و همین اخلاص هم از پیوند ناگسستنی بین امام و امت و تقوای از هوابرستی ناشی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲۴). بنابراین، مقاومت یک ضرورت همیشگی است و مؤمنان باید با تقویت بنیه فکری-فرهنگی خود، درباره تحولات پیرامونی احساس وظیفه کنند و جامعه را به سوی اهداف ایدئال که مهم‌ترین آن اظهار دین بر گستره زمین است سوق دهند.

۳. هجرت

در ادامه با تمرکز بر آیات ۳۱ تا ۳۴ سوره سبأ و ۹۷ تا ۹۹ سوره نساء که محتوای آنها مربوط به هجرت است، به بررسی راهبرد دیگر در مبارزات مستضعفان اهتمام شده است:

جدول ۳: توصیف آیات مربوط به هجرت

کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی	جهانی‌بینی
کفر (۲بار) - ایمان (۲بار) - القرآن - الظالمون - ربهم - استضعفوا (۲بار) - استکبروا (۲بار) - صدقاتکم - مجرمین - صدقاتکم - مکمل اللیل و النهار - آسروا - یجزون	۳۰ جمله (۱۳اسمی - ۱۷فعلیه) - استفهام انکاری	اظهاری ترغیبی عاطفی تهدیدی اعلامی	مخاصمه مستضعفان خودخوانده با مستکبران در قیامت	سیک مستکبران در گمراه کردن مردم بی‌ایمانی و فطام‌بودن این دو گروه تفهم، جرم مستضعفان خودخوانده از سوی مستکبران در قیامت جهنمی‌شدن این دو گروه	هجرت معنوی از کفر به ایمان
<p>إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَالِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَظْهِرُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولَئِكَ حَسَىٰ اللَّهُ أَن يَخْفَوْهُم ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَظِيمًا عَقُورًا (النساء / ۹۹-۹۷)</p>					
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی	جهانی‌بینی
تَوَفَّاهُمْ - طَالِي أَنفُسِهِمْ - مُسْتَضْعَفِينَ (۲بار) - فَتُهَاجِرُوا - مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ - لَا يَسْتَظْهِرُونَ - لَا يَهْتَدُونَ - عَقُورًا	۱۸ جمله (۱۴اسمی - ۴فعلیه) - تأکید - استثنای - منقطع - استفهام توبیخی	اظهاری ترغیبی عاطفی تهدیدی اعلامی	مستضعفان خودخوانده و مستضعفان بی‌اختیار	ظلم مستضعفان خودخوانده به خود نا توانی برخی از مستضعفان در برطرف‌سازی موانع ناآگاهی برخی از مستضعفان نسبت به راه هجرت جهنمی‌شدن مستضعفان خودخوانده و بخشش مستضعفان معذور	هجرت مکانی از دارالکفر به دارالهدی

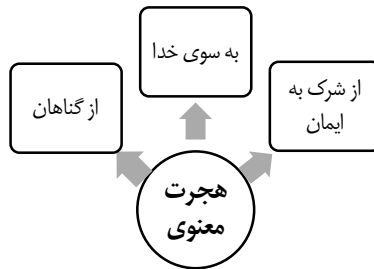
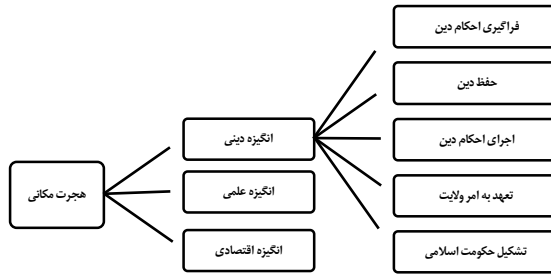
(منبع: یافته‌های پژوهش)

ممکن است از ظاهر آیات دسته نخست، خصوصاً آیه ۳۲ سوره سبأ چنین استنباط شود که مستضعفان افرادی هستند که به دلیل نقشه و توطئه شبانه‌روزی مستکبران، قدرت تشخیص سره از ناسره را ندارند و مغلوب افکار الحادی دستگاه طاغوت شده‌اند؛ ولی با

نگاهی موشکافانه به قراین درونی و برونی این آیات، از جمله استفهام انکاری «أَنْ تَحُنُّ صَدْدُنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ»، قطعاً اندیشه توحیدی برای این افراد، غریب و بیگانه نیست و مطمئناً سخن رسول خدا ﷺ نیز به گوش آنها رسیده و در واقع مشکیشان این بوده است که این گفتار را نمی شنیدند. پس، باتوجه به کنش اعلامی در جمله اسمیه «لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ» که مفید استمرار است، این افراد در قبال منطق توحیدی، به نحوی بی ایمان بودند که خدای متعال در صدر آیه ۳۱ سوره سبأ، در قالب کنش اعلامی دیگری، از آنها به «ظالمان» تعبیر می کند؛ ظالمانی که در مخاصمه با مستکبران، در کنشی اظهاری، به بیان عذر ناموجه خود برای بی ایمانی می پردازند: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْجَعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ». براین اساس و باتوجه به اشتراک دو دسته از آیات ذکر شده در هجرت و تصریح بر ظالم بودن آنان، می توان گفت که این گروه همان مستضعفان خودخوانده در آیه ۹۷ سوره نساء هستند که سنخ ستمگری شان از نوع «ظالِمِي أَنْفُسِهِمْ» است.

در پاسخ به چرایی اطلاق خودخواندگی بر این نوع از استضعاف، باید توجه داشت که چنین اشخاصی با وجود آگاهی از حقیقت و توانایی برای مبارزه در برابر دستگاه ظالم حکومتی، هیچ گونه مبارزه ای را ترتیب ندادند. از این رو مستکبران در پاسخ به فرافکنی آنها، با استفهام انکاری «أَنْ تَحُنُّ صَدْدُنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ»، به آگاهی و اختیارشان در انتخاب مسیر هدایت و ضلالت و طبعاً «هجرت از کفر به ایمان» اشاره (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۳۸۲)، و فرشتگان نیز در پرسش از مستضعف‌نمایی آنان و پاسخ به آن، با استفهام توییحی «فِيمَ كُنْتُمْ» و «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»، به «توانایی شان در هجرت از جامعه طاغوتی به جامعه توحیدی» تصریح می کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۱۹۶). بنابراین، این افراد به دلیل رعایت نکردن این دو ملاک کلیدی، اصلاً از مستضعفان محسوب نمی شوند. مؤید این مهم شاخص «لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» برای حداقل استضعاف است که با کنشی اظهاری، به ناآگاهی آنان در پیدایی راه نجات و ناتوانی شان در برطرف سازی موانع راه نجات اشاره دارد. این در حالی است که در دو دسته آیه یاد شده، آنان بر هر دو مورد هجرت معنوی و مکانی قادرند. این دو هجرت با انگیزه های مختلفی صورت می پذیرد که در شکل آمده است. در این میان، باید توجه کرد که مقصود ما از هجرت،

هجرت دینی است. پس، هجرت به انگیزه علمی و اقتصادی مد نظر پژوهش حاضر نیست.



شکل ۳: انواع و گونه‌های مختلف هجرت

(مقیمی، ۱۳۹۶: ۹۲-۱۱۵)

با این حال، درباره اینکه چگونه با وجود حاکمیت فضای مسموم و فاسد جوامع طاغوتی، هجرت از کفر به ایمان امکان‌پذیر است، باید گفت که اساساً فرضیه محرومیت افراد مورد بحث در اینجا، کاملاً باطل است و آنان به موازات مکر پیوسته مستکبران، از هدایتگری شب و روز رسولان و مبلغان الهی بهره‌مند بوده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲)؛ یعنی همان کسانی که هجرت در زمان دارند و با توجه به زندگی در آینده، دورنگر و دوراندیش هستند و قادرند گذشته و آینده را به خوبی تحلیل و تبیین کنند و امام دیگران باشند و مردم را امت خود قرار دهند. از این جهت، توجیهاتی از قبیل خودخواندگی استضعاف، جز برای این گروه از افراد که در وصفشان چنین آمده: «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا»، هرگز قابل دفاع نیست و همیشه راه برای هجرت معنوی باز است.

باین همه، این ظالمان مستضعف‌نما جدای از اینکه خود «منحرف و گمراه» شدند، از اولیای طاغوت تبعیت کردند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۹۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ۱۲۱) و عملاً اولیاء‌الله را تنها گذاشتند و رها کردند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲۹: ۳۵۵)؛ چراکه اساساً دنیا و آخرت مردم در دست دو امام هدایت و ضلالت است. اگر کسی بنا بر آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء: ۷۳)، از امام هدایت که بنده، مطیع و مرتبط با خداست و اعمال نیک را انجام می‌دهد تبعیت کند، در واقع از خدایی تبعیت کرده که این امام را هدایت کرده و وی نیز قادر است مردم را به سرمنزل مقصود و مطلوب از حیات دنیوی هدایت کند، و بالعکس؛ اگر بنا بر آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصُرُونَ» (قصص: ۴۱)، از امام ضلالت تبعیت شود، او مردم مطیع خود را در دنیا و آخرت به دلیل خوی شیطان‌صفتی‌شان به سوی آتش و هلاکت دعوت می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۴).

در نتیجه، این افراد که نتوانسته‌اند از جهت معنوی هجرت کنند، عملاً قادر به هجرت مکانی از دارالکفر به دارالایمان نیز نیستند؛ چراکه آنچه باعث هجرت مکانی می‌شود، شوق و اشتیاقی است که به دارالهیجره وجود دارد و آنچه باعث این شور و اشتیاق شده، تبعیت از خدای متعال و رسول اوست که در انسان نورانی ایجاد می‌کند و باعث الهی شدن رفتار مستضعف می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۲: ۶۱). بنابراین، عذر این مستضعفان که با رغبت از طاغوت تبعیت کردند و حاضر به هجرت از کفر به ایمان نشدند، پذیرفته نیست و عاقبتشان در کنشی تعهدی به صورت «وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا» و «فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» است.

بنا بر آنچه ذکر شد، قاعدتاً هجرت اصلی ثابت و باقی است (مطهری، بی تا، ج ۷: ۴۶۰) و محدود به زمان و مکان نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲۰: ۲۵۴). اساساً زمانی که محیط زندگی از حیث فرهنگی ناهنجار و نامناسب باشد و دستگاه حاکم فضایی پرفشار و حتی کُشنده را فراهم کند، می‌توان برای آزادی و فراگیری معارف الهی، با اختیار به نقاطی که «دعوت‌کننده و پذیرایی» وجود دارد هجرت کرد (عبداللهی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۹).

باین همه، هجرت منحصر در «فراگیری و حفظ دین» نیست، بلکه در هجرت موردی دیگر نیز وجود دارد که اقامه دین در جامعه و ایجاد حاکمیت الله و حکومت اسلامی در

زمین است و با ایجاد آن، عملاً نکته پیشین نیز تا حدود زیادی حاصل خواهد شد. نکته مهم دیگر اینکه در فهم مصداق امروزی دارالهجرت نیز باید به مؤلفه‌های منجر به این هجرت توجه داشت. در حکمرانی مردم بر پایه خلافت الهی، مردم نباید در برابر ظلم سکوت پیشه کنند و ستم‌پذیر باشند، بلکه آنان ملزم به اجرای حق و عدالت و نفی ظلم و طغیان (و نه تخییر بین آن دو) هستند، و چنانچه قادر به دگرگونی وضع ظالمانه موجود نیستند، به هر شکلی که شده، ولو با هجرت و ترک جامعه، از آن روی برتابند (صدر، ۱۴۳۲ق: ۲۰). بنابراین، ملاک مکان برای هجرت جایی است که امکان برقراری حق در آنجا فراهم باشد که مطمئناً محوری‌ترین نقطه جایی است که ولایت الله حاکم باشد؛ یعنی هجرت از محیط طاغوت به سمت محیط توحیدی.

۴. استعانت از خدای قادر

خدای متعال در آیه ۷۵ سوره نساء و ۲۶ سوره انفال در وصف مستضعفانی که در جامعه ظالم طاغوتی گرفتارند، از «دعا»ی آنان در ابعاد گوناگون برای برون‌رفت از وضع موجود سخن به میان آورده است. توصیف این موارد در جدول آمده است:

جدول ۴: توصیف آیات مربوط به استعانت از خدای قادر

مَا لَكُمْ لَا تَخَافُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أُمَّهَاتُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَبِّهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء: ۷۵)					
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی	جهانی‌بینی
ما لکم - تَخَافُونَ - فی سبیل الله - مستضعفین - رَبَّنَا - أَخْرِجْنَا - ظالمان - وئی - نصیر	اما جمله (یکی اسبیه و هنا فعلیه) - صفت - استفهام - تمجس - التفات - تخییل - ایناس	ترغیبی اظهاری	نجات مستضعفان از محیط طاغوتی	رفتار متعادلانه مسلمانان در خصوص قتال مبارزهای الزام‌آور و مشروعبت‌زای قتال جربابی هجرت تفاوت وئی و نصیر	استعانت از خدای قادر
وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَذِلَكُمُ الْأُنَاسُ فَأَوَّكِمُوهُمْ وَأَنْتُمْ بِنَصْرِهِمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال: ۳۶)					
کلید واژگان	سیکشناسی	کنش گفتاری	موضوع محوری	موضوع فرعی	جهانی‌بینی
اذْكُرُوا - مستضعفون، تَخَافُونَ - قَاوَكِمُوهُمْ - اَيْدِكُمْ بِنَصْرِهِ - رَزَقَكُمُ الطَّيِّبَاتِ - تَشْكُرُونَ - تَأَكِيدُ	۹تا جمله (۷تا فعلیه و ۲تا اسبیه) - تأکید	اظهاری ترغیبی تمهیدی	نصرت الهی	یادآوری مسیر خروج از استضعاف منتهم شدن مستضعفان	یاد خدا و شکر او

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بنا بر آیه دوم و به دلیل اسمیه آمدن عبارت «أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ

تحلیل راهبردهای مبارزاتی مستضعفان در مواجهه ... - محسن فریادرس (۱۸۱-۱۵۳) / ۱۶۷

يَتَخَفَتَكُمُ النَّاسُ»، مؤمنان همواره کم جمعیت، مستضعف و بی امنیت بودند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۸۲). بنابراین، با حفظ موضوعیت مکانی (مکه) و سیاقی با آیه اول، شاهد استعانت آنها از خدای قادر برای برون رفت از این سختی‌ها مبنی بر هجرت از دارالکفر و دریافت ولی و نصیر هستیم.

اساساً استعانت از خدای قادر و دعا در پیشگاه او، همواره کارآمدترین سلاح جبهه مؤمنان بوده و هست و منحصر به گروهی خاص نیست؛ چراکه اولاً مؤلفه‌های کلان سیاست‌گذاری در جوامع الهی با جوامع غیرالهی برای پیشرفت متفاوت است و لزوماً موفقیت پایدار و رسیدن به مقصود در این جوامع، وابسته به ابزارهای مادی نیست (ر. ک. طیار، نژاد، ۱۳۹۷: ۴۴)؛ ثانیاً اراده الهی در وصول به مقصود، وابسته به مقدمات ما نیست که اساساً آن مقدمات، خود سببی از اسباب دریافت نتیجه هستند و در نهایت ذات اقدس الهی مسبب‌الاسباب حقیقی است. به عبارت دیگر، باتوجه به اینکه در جهان بینی توحیدی، خداوند «لا مؤثر فی الوجود الا الله» است، یکی از منابع اصلی راهبرد استعانت، قدرت مطلقه خداست که هیچ حرکتی در جهان صورت نمی‌گیرد، مگر به اراده او. بر همین اساس، در آیه ۷۵ سوره نساء، ارزش دعا و استعانت از خداوند را به عنوان یک معیار مهم روشن می‌کند و گفتار کسانی را که مدعی بی اثری دعا هستند، باطل می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۱۷).

با این حال، این به معنای آن نیست که دعا و استعانت از خداوند در عرض ابزارهای مادی و رقیب آنهاست و قوانین طبیعی را بر هم می‌زند یا برخلاف آنها عمل می‌کند، بلکه منظور آن است که مؤمنان از خداوند تقاضای کنارهم قراردادی قوانین کارساز در دستیابی به مقصود را دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۰). در این صورت، اگر دعا با هدف و باتوجه به پروردگار حقیقی باشد، خواسته را هم جهت و مطابق با فطرت می‌کند و باعث حصول و ازدیاد اطمینان و آرامش در انسان و رغبت و انگیزه در او برای پی جویی اهداف در جهت تغییر اوضاع می‌شود و در نهایت، احساسات هم جبهه‌ها را بر می‌انگیزد تا به یاری و نصرتشان بشتابند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۲۹). از این جهت هم می‌بینیم که مستضعفان بدون اینکه از کسی غیر از پروردگار جهان، راهی برای تغییر وضعیت خود مطالبه کنند، با بهترین معارف و در زیباترین الفاظ، از مولای حقیقی خود، استغاثه مواردی نظیر توفیق در هجرت و قراردادی

ولّی و نصیر را دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۴۱۹). براین اساس، دو نکته در این خصوص مورد توجه است:

الف) همراهی وصف «الَّذِينَ» برای «الْمُسْتَضْعَفِينَ» و مضارع آمدن فعل «يُقُولُونَ» در قالب کنشی اظهاری، معرّف استمرار و تداوم دعا به‌عنوان سبک زندگی برای همه مستضعفان است، نه فقط «مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوَالِدَانِ»؛ چراکه این مصادیق از باب تمثیل است، نه از باب تعیین (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲۰: ۲۳۷). نکته جالب در این سیره آن است که مستضعفان آن‌قدر طولانی شدن دعا و ارتباط با خدا را دوست دارند که اصطلاحاً از طریق صنعت ایناس، عبارات موجز را طولانی‌تر بیان می‌کنند: آنجا که می‌توانستند بگویند: «وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًا وَنَصِيرًا»، به جای آن، دعای «رَبَّنَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» را ادا می‌کنند؛

ب) خدای متعال نیز با به‌کارگیری چهار شیوه «التفات» از غیب («فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۷۴)) به مخاطب در این آیه (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۳۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۸۴)، «استفهام تعجبی» در «مَا لَكُمْ...» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۷۹)، «اسمیه آمدن» همین جمله و مضارع آمدن فعل «تُقَاتِلُونَ»، مؤمنان را شدیداً و مستمرّاً تشویق به مقاتله با دولت‌های مستکبر برای نجات مستضعفان و تأمین آزادی آنان می‌کند، که این همان کنش ترغیبی محسوب می‌شود.

نکته مهم دیگر مسئله مصادیق دعاست که مطمئناً دامنه‌های زیادی را دربرمی‌گیرد، ولی در اینجا موضوع بر محوریت سه خواسته است، که در ادامه مقاله، بحث هجرت و اهمیت آن خواهد آمد. اما درباره چرایی دعا برای قراردعی «ولّی» و «نصیر» باید توجه داشت که اولاً وجه مشترک هر دو در این است که رابطه آنها با مولی‌علیه، با هم بودنشان در جهت رشد جامعه است؛ دقیقاً نقطه مقابل رابطه بین طاغوت با آنها؛ ثانیاً تفاوت این دو با یکدیگر در آن است که در ولی، مولی‌علیه قدرتی برای پی‌جویی امور ندارد و در نصیر، مولی‌علیه در برخی امور قادر و در برخی دیگر ناتوان است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۹: ۵۱۹)؛ ثالثاً لازمه به‌کار افتادن امور در جهت صحیح، رشد استعدادهای انسانی و ریشه‌کنی فساد، بهره‌مندی جامعه اسلامی از شخصی آگاه، مدبر، شجاع و باتقواست که «قلب امت

اسلامی» و «مجری فرمان خدا در جامعه» است و از او به نصیر و به تعبیر دقیق‌تر، ولی نام برده می‌شود و مستضعفان نیز باید او را مطالبه کنند و سپس در حوزه اندیشه و عمل، با او پیوند و ارتباط دائمی و عمیق داشته باشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۶۹۰-۶۹۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵-۱۱) تا بر مستکبران پیروز شوند: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مانده: ۵۶).

دوران پسااستضعاف سند محکم تاریخ بر تأثیر دعا و استعانت از خدای متعال است. در این دوران، شاهد تقویت روحیه مستضعفان، ازدیاد و وحدت جمعی آنها در سایه امنیت و بهره‌مندی آنان از نعمت‌های حلال هستیم که در آیه «فَأَوَّكِمْ وَ أَيْدِكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ» با «فاء» نتیجه و در قالب کنشی اظهاری بیان شده است. بنابراین، خدای متعال با کنش ترغیبی دیگر، به مستضعفان دستور داده ضمن یادآوری نعمت‌هایی که با استعانت از او در حق آنان برآورده شده، شکر پیوسته او را به قرینه اسمیه بودن «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» انجام دهند؛ شکری که عبارت است از «شناخت نعمت»، «سپاسگزاری بابت آن» و «احساس مسئولیت درباره آن» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۹۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۱).

اساساً ادب دعا این است که مستضعف پیش از بیان مطالبات جدید، بهره‌مندی از نعمت‌هایی نظیر موارد گفته‌شده و همچنین امنیت یافتن، دریافت نصرت و دیگر نعمت‌های الهی را یادآور شود، سپس از خدای متعال بابت دریافت آنها سپاسگزاری کند و در نهایت درباره آنها خود را مسئول بداند و درصدد ادای حق آنها باشد، که این سه، همان معنای شکری است که ذکر شد.

ناگفته نماند که همین امر نیز از یک سو به قرینه آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم: ۷)، باعث ازدیاد نعمت می‌شود و از سوی دیگر، افضل بر مقدمات حصولی ما برای رسیدن به مقصود است.

بر اساس آنچه ذکر شد، تذکر این نکته بسیار مهم است که استعانت از خدای قادر و دعا تنها برای دوره استضعاف نیست. اساساً با توجه به اینکه خدای متعال جهان را بر اساس الگو و صفات خود آفریده و صفات خود را در مخلوقات به‌ودیعت نهاده است (صدر، ۱۳۹۷: ۳۹)، انسان مؤمن همواره و در همه شرایط باید با خدای قادر اتصال داشته باشد تا بتواند

قدرت و توانایی پایدار در حکومت مبتنی بر جهان بینی توحیدی تولید کند. تدبیر در آیات قرآن به روشنی این امر را به اثبات می‌رساند که خدای متعال در مبارزات همیشگی مستضعفان در مواجهه با مستکبران، از آنها مطالبه جهاد دارد؛ ولی فراهم‌سازی این امر را لازمه رسیدن به وضعیت مطلوب ذکر کرده است، نه کفایت‌کننده. از جمله این آیات می‌توان به آیاتی نظیر «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۳۶) اشاره کرد که خدای متعال برای موفقیت مؤمنان، تنها به «تقوا، مقاومت و...» اکتفا نکرده است، بلکه معیت و همراهی خود را نیز از شرایط آن لحاظ می‌کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه ذکر شد، قرآن کریم برای خلیفه‌اللهی و جهانی کردن خط فکری مستضعفان، شرط «جهاد یا مبارزه پیوسته» را اعلام کرده است. با توجه به مؤمن بودن مستضعفان، قاعدتاً راهکارهای مبارزاتی گوناگونی نظیر مؤلفه‌های ایمانی و معرفتی و توانمندسازی مادی و معنوی را نیز می‌توان برای آنها لحاظ کرد؛ ولی با پی‌جویی کلیدواژه استضعاف در قرآن کریم، این نکته مستفاد می‌شود که در منطق قرآن، چهار راهبرد عمده برای مبارزه مستضعفان با مستکبران ترسیم شده است که دیگر مؤلفه‌ها قابلیت اندراج در آنها را دارند:

نخستین راهبرد بینایی هوشمندانه است که جلوه‌گفتاری آن در بیان مؤمنان به صالح نبی ﷺ و جلوه رفتاری آن در تعامل حکیمانه حضرت هارون علی‌ه السلام با بنی اسرائیل قابل دریافت است؛ امری که با بهره‌مندی از آن، تحلیل درست فضای فکری حاکم بر جامعه را تقویت و از عکس‌العمل‌های شتاب‌زده و مخرب جلوگیری می‌کند که نهایتاً مانع سوءاستفاده مستکبران از مستضعفان می‌شود؛

دومین راهبرد مستضعفان مقاومت همه‌جانبه و منفی آنها در برابر تطمیع، تهدید، تحقیر و فساد فرعونیان است که ابعاد مختلفی از عدم پذیرش تا نابود کردن را شامل می‌شود و موجبات دستاوردهای عینی و ملموسی نظیر ارتش بری زمین و امامت بر مردم را فراهم می‌آورد؛

در سومین راهبرد، شاهد فرایند دوگانه هجرت هستیم که در نوع خود، از طرفی با هجرت

معرفتی از کفر به ایمان، ضعف و تحلیل فرهنگی جبهه استکبار شکل می‌گیرد و از طرف دیگر، با هجرت فیزیکی و مکانی، تغییر نسبت جمعیت به نفع جبهه مؤمنان برای ایجاد و ثبات حکومت اسلامی صورت می‌پذیرد؛

استعانت از خدای قادر راهبرد دیگری است که در قالب «دعا» صورت می‌گیرد. انس پیوسته با خدای متعال و طلب درخواست‌های ممتاز از او، مانند بهره‌مندی از نعمت ولایت، تحولاتی بزرگ را به‌ارمغان خواهد آورد.

منطق ترتبی حاکم بر این راهبردها نیز براین اساس است که این راهبردها متوقف بر یکدیگرند. مثلاً اگر بینایی هوشمند نباشد، عملاً مسیر انحرافی دنبال می‌شود؛ اگر مقاومت با گونه‌های مذکور آن در متن (نه لزوماً همه آنها) نباشد، ایستایی و لغزش به‌وجود می‌آید؛ اگر هجرت نباشد، غالباً و به تدریج، هم‌رنگی و همسانی با کفار به‌وجود می‌آید. با این همه، در جهان‌بینی توحیدی، این موارد برای مبارزه با دستگاه‌های استکباری حاکم بر جهان کافی نیستند و اساساً باید در کنار این مقدمات حصولی، از نیروهای توانمندساز معنوی مانند دعا و استعانت از خدای قادر نیز بهره جست که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». بنابراین، این راهبردها در طول یکدیگرند و برخی مثل دعا و استعانت از خدای قادر، در هر سه راهبرد حاکم است و به‌نوعی، «کلان‌راهبرد» محسوب می‌شود. راهبرد هجرت نیز قابلیت جاگیری ذیل راهبرد مقاومت را دارد؛ چراکه مؤلفه‌ای «ناپذیرشی» است که گام نخست در گونه‌های مقاومت محسوب می‌شود.

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۴۱۵ق). مترجم: محمد مهدی فولادوند تهران، دار القرآن الکریم.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه، تحقیق محمد عبدالسلام هارون، قم، مکتب الأعلام الإسلامی.

افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام: نظریه و الگو، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

برچیل، اسکات و همکاران (۱۳۹۱). نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه سجاد حیدری فرد، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

برهان، مهدی (۱۳۹۰). «شاخص‌ها و مؤلفه‌های بصیرت سیاسی»، معرفت سیاسی، دوره سوم، ش ۱، ص ۶۵-۹۰.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، اعداد محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی و نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

ج. ددو، الیور (۱۳۹۰). نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی میرمحمدی و مالک ذوالقدر، زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). تسنیم، قم، اسراء.

_____ (۱۳۹۲). جلسه سوم تفسیر سوره سبأ در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۲.

_____ (۱۳۸۹). ولایت فقیه، تحقیق محمد محرابی، قم، اسراء.

حسینی معصوم، سید محمد و عبدالله رادمرد (۱۳۹۴). «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش‌گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، جستارهای زبانی، دوره ششم، ش ۳، ص ۶۵-۹۲.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). بیان قرآن (تفسیر سوره ممتحنه)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۶). دعا، تدوین علی‌رضا برارش، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، صهبا.

خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۶). منظومه فکری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم.

رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق). تفسیر المنار، بیروت، دار المعرفه.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربی.

ذئورتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۴). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس.

تحلیل راهبردهای مبارزاتی مستضعفان در مواجهه ... - محسن فریادرس (۱۸۱-۱۵۳) / ۱۷۳

سعیدی، علی مراد (۱۳۹۵). بصیرت از نگاه قرآن، قم، انتشارات کتاب جمکران.
سلیمی، حسین (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون درباره جهان‌ی شدن، تهران، سمت.
صدر، سیدمحمد باقر (۱۴۳۲ق). خلافة الإنسان، پدیدآور: مرکز نون للتألیف والترجمه، بیروت،
جمعية المعارف الإسلامية الثقافیه.

صدر، سیدموسی (۱۳۹۷). دین در جهان امروز، ترجمه احمد ناظم، حمیدرضا شریعتمداری و
مجید مرادی، تهران، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی
همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.

طوسی، محمد (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء
التراث العربی.

طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.

طیاری نژاد، رامین (۱۳۹۷). راهکارهای ارتقای بهره‌وری مجموعه‌های فرهنگی انقلابی، تهران،
انتشارات انقلاب اسلامی.

عبداللهی، حوریه (۱۳۹۴). هجرت زنان مسلمان در عصر پیامبر ﷺ، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، نشر هجرت.

فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحي القرآن، بیروت، دار الطباعة والنشر.

قادری کنگاوری، روح الله (۱۳۹۴). نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین الملل، تهران،
مخاطب.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران، سمت.

گاندی، لیلیا (۱۳۹۱). پسااستعمارگرایی، ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکاسلطان، تهران،
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

لاوسن، استفانی (۱۳۹۵). نظریه‌های روابط بین الملل: رویکردهای معارض به سیاست خارجی،
ترجمه عبدالمجید سیفی، تهران، مخاطب.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران، سمت.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). زلال نگاه: مباحثی در بصیرت سیاسی-اجتماعی، قم،
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.

_____ (۱۳۹۶). طوفان فتنه و کشتی بصیرت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی علیه السلام.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصلائی پور یزدی، عباس و مرّوت محمدی (۱۳۹۳). «معناشناسی بصیرت در نهج البلاغه»، کتاب قیم، دوره چهارم، ش ۱۰، ص ۷-۳۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). عدل الهی، تهران، صدرا.

_____ (بی تا). یادداشت‌های شهید مطهری، تهران، صدرا.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، قم، دارالکتاب اسلامی.

مقیم، سپیده (۱۳۹۶). استضعاف‌زدایی در پرتو هجرت، قم، انتشارات هاجر.

منصوری، محمدهادی (۱۳۹۴). بصیرت و نقش آن در پیروی از امام از منظر قرآن و روایات، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بی مک: دفتر سماحة آية الله العظمی السبزواری.

مهدیان، علی (۱۳۹۹). طرح کلی اندیشه مقاومت، قم، سفیر صادق.

میرباقری، محمد مهدی (۱۳۹۹). تأملات قرآنی در پرتو معارف اهل بیت علیهم السلام، قم، تمدن نوین اسلامی.